



برجام؛ آنچه گذشت و آنچه خواهید دید!

یادداشت تحلیلی پیرامون مذاکرات هسته‌ای

● محمد مهدی محمودی

در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ و پس از حدود دو سال مذاکره، توافق برجام رقم خورد. توافقی که زیاد از آن شنیده‌ایم و کم از آن می‌دانیم. توافقی که در ادامه رویکردی غلط و سیاست‌زده رقم خورد و غلبه رویکرد سیاسی در شکل‌گیری آن نتیجه‌ای جز عدم توازن آن نداشت. توافقی که در آن ایران اقداماتی عملی و تقریباً بازگشت‌ناپذیر را متعهد شد و طرف مقابل تعهداتی وابسته به کاغذ و قلم و چند امضا را. توافقی که طی آن مهمترین خواسته و نگرانی طرف غربی به دست آمد و حل شد و مهمترین نیاز ما حتی روی کاغذ و موقتی نیز رفع نشد. غرب تهدید احتمالی هسته‌ای ایران را کاملاً نابود کرده و صنعت هسته‌ای را نیز تا اندازه یک مینیاتور دلخوش کن کوچک کرد. در مقابل، تحریم‌های مهم و اساسی ایران که موانع اصلی جذب سرمایه و

تجارت بین‌المللی بود روی کاغذ نیز لغو نشد. در انتها نیز ترامپ با چند ماه زمینه‌سازی و یک امضای ناقابل تمام رشته‌های سست برجام را پنبه کرد و ایران ماند و قلب بتن آلود اراک و زیرساخت‌های تخریب شده فردو و صدها سانتریفیوژ آسیب دیده انبار شماره دو نطنز و البته تحریم و فشار همه‌جانبه... البته آورده برجام دست‌کم روی کاغذ «هیچ» مطلق هم نیست اما در مقابل هزینه‌ای که ایران پای آن پرداخت بسیار ناچیز است. با این وجود هنگامی که ما هزینه را پیش‌پیش پرداخت کرده‌ایم و حال موعد نقد کردن این چک سبک‌وزن بلامحل رسیده است، هزینه و فایده ماجرا به نفع تلاش برای نقد کردن چک سنگینی می‌کند. از همین جهت هم بعد از خروج آمریکا صبر کردیم و با طرف‌های اروپایی ادامه دادیم و البته

رسماً هیچ عایدمان شد اما در انتظار طلایه امید از سوی آبی‌های آمریکا، با همان فرمان ادامه دادیم. فهمیدیم که برای بازگشت به برجام باید دستی پُرتر داشته باشیم و نتیجتاً به افزایش توان هسته‌ای پرداختیم. تلاشی که برای بازگشت به نقطه پیش از برجام باید بیش از چهار سال ادامه یابد و هزینه‌ای سرسام‌آور روی دست ما خواهد گذاشت. در نتیجه باز هم صبر و تلاش برای احیای این چک سبک وزن گزینه معقول‌تر جلوه کرد. در سوی مقابل نیز آمریکا به احیای این توافق نیاز دارد. علت این نیاز در یک کلمه خلاصه می‌شود: چین! ایالات متحده رقیبی جدی و سرسخت و موفق در مقابل خود می‌بیند که رهبری مطلق آمریکا بر نظام جهانی را تهدید کرده و مدلی متفاوت

■ ایران ۱۴۰۴ ■ شماره پنجم ■ سال پانزدهم ■ ۱

ادعان دارند اگر برجام بدون تضمین احیا شود، رئیس جمهور جمهوریخواه بعدی آمریکا هر که باشد، باز هم از آن خارج خواهد شد! از سوی دیگر مهمترین عنصری که می‌تواند برجام را برای ایران سود آور و توجیه پذیر کند، جذب سرمایه خارجی و شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی است. سرمایه و همکاری نیز در فضایی که مدام ترس و نگرانی بر آن سایه افکنده جایی نخواهد داشت. در نتیجه ایران بر کسب این دو امتیاز مصرانه ایستاده است. پیگیری مسیر خنثی‌سازی تحریم و مقاوم سازی اقتصاد با گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و تعاملات با جهان غیر غربی در ضمن تقویت توانمندی‌های هسته‌ای از سوی ایران، در کنار اصرار و عجله آمریکا برای خروج از منطقه فضا را به نحوی جهت داده است که در این میان اسرائیل نیز خود را میان دو حالت بد و بدتر می‌بیند و در این فضا، صهیونیست‌ها نیز عمیقاً به توافق علاقه‌مند شده‌اند و برای آن تلاش می‌کنند! در همین باب در چند هفته اخیر چندین تن از مقامات ارشد سابق این رژیم در مصاحبه‌هایی حمایت از خروج آمریکا از برجام را بزرگ‌ترین خطای راهبردی تاریخ اسرائیل و حتی یک تراژدی خوانده‌اند! حال باید دید طرف آمریکایی خواهد توانست تضمین‌های لازم را به ایران ارائه دهد یا آنکه با عدم توافق، آخرین بخت آنها برای مهار موقتی ایران نیز از دست خواهد رفت...

مورد انتظار ریاست جمهوری ترامپ به نتیجه نرسید و دولت بایدن رویکردی متفاوت را برای هدفی واحد برگزید. در این رویکرد تلاش شد تا با وعده رفع تحریم، ایران به میز گفتگو کشیده شده و در منطقه و هسته‌ای همکاری کرده و محدود شود تا نگرانی آمریکا کاهش یابد. در این راستا تیم مذاکره کننده دولت قبل ۶ دور مذاکره را در وین دنبال کرد که طی آن -در ادامه رویکرد سیاست‌زده و عجول پیشین- علاوه بر تعهدات برجامی، تعهداتی نیز فراتر از برجام در حال پذیرش بود که با پایان عمر دولت روحانی ناکام ماند. البته سیاست کاهش تنش با همسایگان در منطقه به عنوان یک سیاست معقول توسط جمهوری اسلامی و با استقبال همسایگان سابقاً ماجراجو و اخیراً صلح‌طلب، ادامه یافت و کماکان در حال پیگیری است. با استقرار دولت جدید اما معادلات مذاکره تغییر کرد. اکنون ایران با شتاب بیشتر در تقویت ظرفیت هسته‌ای خود می‌کوشد و در صحنه مذاکرات نیز با جدیت ۲ خواسته مهم و اساسی برای تامین منافع ملی و استفاده حداکثری از چک‌گذاری برجام را دنبال می‌کند. یکی از این دو مورد، راستی‌آزمایی رفع تحریم‌هاست و دیگری ارائه ضمانت قابل اتکا از سوی طرف آمریکایی برای بقاء برجام. این دو مطالبه به این سبب موضوعیت یافته است که خود برجام اساساً نامتوازن بوده و توافقی برای شکسته شدن است. ضمانت‌های درون برجام تا حدی اطمینان‌بخش است که بسیاری از تحلیلگران دمکرات آمریکایی

از حکمرانی داخلی موفق به سوی پیشرفت را در کنار شیوه‌های جدید از تعامل اقتصادی با کشورها در پیش گرفته است و با سرعتی باور نکردنی جلو می‌رود. رقابت با این رقیب از یک سو نیاز به هزینه فراوان دارد و از سوی دیگر در جبهه‌هایی تعریف می‌شود که همپوشانی چندانی با جبهه‌های فعال فعلی ایالات متحده ندارد. در نتیجه آمریکا باید هر چه سریعتر جبهه‌های پیشین را ببندد و از صرف هزینه بیشتر در آنها جلوگیری کند تا بتواند در جبهه‌های جدید متمرکز تر و بهتر به رقابت پردازد. یکی از مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین این جبهه‌های قدیمی غرب آسیا است. آمریکا برای خروج از این منطقه مدت‌هاست که تلاش خود را آغاز کرده است. کدخدای سابق، به جریان نفت و گاز منطقه نیازی ندارد و در تلاش است تا تنها نگرانی باقی مانده خود یعنی امنیت اسرائیل را نیز با روش‌های دیگری غیر از حضور مستقیم و پرهزینه نظامی مدیریت کند. برای این منظور در دوران ترامپ رویکردی سفت و سخت و تقابلی در پیش گرفته شد تا با سقوط جمهوری اسلامی از اساس نگرانی حل شود؛ اما وقتی این مسئله به نتیجه نرسید تلاش شد تا با ایجاد جبهه مشترک میان کشورهای عربی و اسرائیل برابر ایران و محور مقاومت نیاز به حضور آمریکا کاهش یابد و در ادامه همین برنامه و در راستای تضعیف جایگاه ایران، قهرمان مقاومت، سردار شهید سلیمانی را نیز هدف قرار داد. این رویکرد با مقاومت جدی ایران و ناقص شدن دوران





پیام تبریک و تسلیت رهبرانقلاب در پی درگذشت شهادت گونه‌ی حسن ایرلو

سفیر مجاهد و کارآمد

درگذشت شهادت گونه‌ی سفیر مجاهد و کارآمد جمهوری اسلامی در یمن جناب آقای حسن ایرلو رحمته‌الله را به خاندان گرامی و به دوستان و همفکرانش در مراحل گوناگون مجاهدت دراز مدت وی تسلیت و تبریک عرض میکنم. پرونده‌ی افتخارآمیز او مجموعه‌ئی از مجاهدات سیاسی و تلاشهای دیپلوماسی و تحرک اجتماعی است.

۱۴۰۰/۱۰/۰۱

KHAMENEI.IR

اویسی ولایت

متن ویژه شهادت شهید حسن ایرلو

• مهدی زاده اکبر

منطقه و بلکه جهان است و این یک موضوع مهم و بنیادی است که انتظار می‌رود توجه لازم و کافی به آن صورت گیرد. این شهید هنگامی پا به خاک یمن گذاشت که یمن در بحبوحه جنگ با عربستان سعودی قرار داشت و هیچ هواپیما و کشتی و وسیله نقلیه اجازه ورود به خاک یمن را نداشت اما شهید ایرلو بدون اینکه تا کنون از کسی از چگونگی ورود او به یمن چیزی بدانند وارد یمن و صنعا شد و کارخوبش را آغاز کرد. حتی پس از انتصاب و حضور او در یمن، حاج حسن ایرلو در جشن میلاد پیامبراکرم در میدان اصلی

مأموریت خود به کرونا مبتلا شد و به دلیل همکاری دیرهنگام برخی کشورها، متأسفانه در شرایط نامناسبی به کشور بازگشت و باوجود به کارگیری همه مراحل درمانی برای بهبود وضعیت بیماری ایشان، به فیض شهادت نائل و در آستانه سالگرد عروج حاج قاسم در سن ۶۳ سالگی شهد شیرین شهادت را نوشید و آسمانی شد. حضور شهید ایرلو در یمن به عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران در دولت نجات ملی از این حیث دارای اهمیت است که جمهوری اسلامی پرچمدار حمایت از مظلومان در

سحرگاه سی ام آذر ماه در رسانه های داخلی و خارجی خبر شهادت سفیر جمهوری اسلامی ایران در یمن منتشر شد که به نوعی میتوان گفت از پربازدیدترین اخبار طی روزهای گذشته بوده است. بلافاصله رسانه ملی و خبرگزاری ها و شبکه های مجازی دست به کار شدند و با تمرکز محتوایی روی این محور، به بررسی ابعاد شخصیتی شهید ایرلو و نقش ایشان در حمایت از محور مقاومت در یمن پرداختند. شهید ایرلو که از جانبازان شیمیایی جنگ تحمیلی نیز بود، در محل

حسن در این سفر شهید خواهند شد آیا با سفر ایشان مخالفتی ندارید؟ البته حاج قاسم از خانواده بزرگوار ایشان جز اعلام افتخار به راه و هدف پدر خانواده و بیان رضایت پاسخ دیگری دریافت نکردند. همچنین چند روز پیش شهید ایرلو ضمن تماس با خانواده، پسرشان را در جریان حضور شهید سلیمانی در خوابش قرار میدهد و بشارت حاج قاسم مبنی بر شهادتش را به فرزند اعلام میکنند. حاج قاسم به حاج حسن گفته بود: دیگر ماندن در دنیا کافی است، منتظر شما هستیم حاج حسن.

بی شک از دست دادن چنین شخصیت مهمی در یکی از مهم ترین مناطق استراتژیک کنونی برای جمهوری اسلامی ضربه سنگینی است، باید دید دستگاه دیپلماسی کشور برای جبران این فقدان چه تدابیری را می اندیشد.

به عنوان سفیر و خدمتگذار در خدمت مردم مظلوم و مجاهد یمن بود. حسین امیرعبداللہیان وزیر امور خارجه کشورمان در این باره نوشت: حسن ایرلو در مأموریت اخیر مدافع و صدای رسای حقانیت و مظلومیت مردم یمن بود. مقامات یمنی از جمله محمدعبدالسلام سخنگوی جنبش انصارالله و همچنین حسین العزی معاون وزیر خارجه یمن ضمن تسلیت به مقامات جمهوری اسلامی و مردم ایران به دلیل شهادت سفیر تهران در یمن، از وی به عنوان الگوی یک دیپلمات موفق و متمایز یاد کردند. سفیر یمن در تهران هم در گفتگو با العالم از عربستان سعودی به عنوان مسئول شهادت ایرلو نام برد. در نهایت اینکه شهید حسن ایرلو در کسوت یک دیپلمات انقلابی در حالی به میهمانی برادران و رفقای شهیدش رفت که پیش از این بشارت شهادتش را از سردار شهید حاج قاسم دریافت کرده بود. پیش از سفر حاج حسن به یمن، حاج قاسم ضمن حضور در منزل شهید به خانواده ایشان گفته بود حاج

شهر صنعا به میان مردم رفت و این پیام را به گوش آنان رساند که دولت و ملت ایران همواره در کنار مردم مظلوم یمن خواهد بود. مأموریت حسن ایرلو در یمن منحصر به بخش دیپلماتیک نبود، بلکه او از بیمارستان‌ها دیدن می‌کرد؛ در مراسم مختلف یمنی‌ها حاضر می‌شد و به آن‌ها اعلام می‌کرد که ملت ایران با آن‌ها هستند. در پی این اتفاق مقامات ایرانی و یمنی با ارسال پیام‌های جداگانه ضایعه به شهادت رسیدن شهید حسن ایرلو را تسلیت گفتند. سردار اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه که در اولین ساعات پس از عروج این شهید در منزل ایشان حاضر شد از اولین مسئولانی بودند که با ارائه پیام تسلیت فرمودند: آن مجاهد سرافراز و مهاجر فی سبیل الله، تمام عمر با برکت خویش را وقف خدمت به انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و جبهه مقاومت کرد. خدمات پر افتخار ایشان در طول سال‌های گذشته برگ زرینی در تاریخ انقلاب اسلامی بوده و به خصوص در سال‌های اخیر که





آرمان از یاد رفته...

▲ متن ویژه روز وحدت حوزه علمیه و دانشگاه

• امیرعباس دولابی

هر دو نهاد آموزشی، دارای یک سری خصوصیات منحصر به خود هستند که می‌توانند تقویت کننده و مکمل یکدیگر باشند این مهم جز بابرقراری رابطه علمی با یکدیگر و هم اندیشی بر سر مباحث فکری و آموزشی و رفع معضلات اجتماعی میسر نمیشود .

از دیگر علمایی که به این مسئله اهتمام ویژه ورزیده و از همان دهه های ۶۰ و ۷۰ در این باره طرح موضوع کرده و به تبیین این امر پرداخته اند حضرت آیت الله خامنه ای هستند .
حضرت آیت الله خامنه ای با

دکتر مفتاح از جمله شخصیت های علمی اند که هم دارای وجه حوزوی و هم دارای وجه دانشگاهی بودند. تا جایی که عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ریاست دانشکده الهیات دانشگاه تهران را عهده دار بودند .دکتر مفتاح بر این باور بودند که حوزه و دانشگاه هر دو اهداف ، برنامه ها و موضوعات خاص خودشان را دارند. ولی می‌توانند به جای تنگ نظری و بدبینی و تقابل و نفی یکدیگر با نگرشی توأم با احترام و درک متقابل و به وجود آوردن محیطی امن با یکدیگر ارتباط برقرار کنند .

یکی از اهداف مغفول مانده و کمتر توجه شده در جامعه علمی ایران بحث وحدت حوزه و دانشگاه است که در آرای امامین انقلاب جایگاه والایی دارد به حدی که در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران روز بیست و هفتم آذر ماه به عنوان روز وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری شده است.

#میراث مفتاح

۲۷ آذر ماه سالروز شهادت دانشمند مخلص و فداکار حجت‌الاسلام دکتر مفتاح است.

نگاهی دقیق و موشکافانه به مسئله پرداخته اند و لزوم وحدت را برای جامعه ای که تحول آفرین و خود منشأ اثر است ضروری دانسته اند.

#چرا وحدت؟

دو نهاد حوزه و دانشگاه در حرکت های اجتماعی و روند تحول فکری و فرهنگی جامعه نقش ارزنده ای را ایفا کرده اند. در دوران طاغوت با آن خفقانی که رژیم پهلوی بر جامعه تحمیل کرده و همه چیز در سیطره میرغضب ها و فشار جلادان پهلوی بود، این دانشجویان و روحانیان غیور و جان بر کف بودند که تنور مبارزات را گرم نگه داشتند.

این دو نهاد اگر در کنار یکدیگر قرار بگیرند سدی غیرقابل نفوذ خواهند شد و شاهد تحولاتی عظیم خواهیم بود.

پروژه ای که چندین سال دشمن روی آن کار میکند بحث تفرقه افکنی میان این دو حوزه است و در تلاش است که نشان دهد هیچ قرابتی بین این دو حوزه وجود ندارد و بعضاً با مسموم کردن فضای فکری جامعه و تعاریف اشتباه از وحدت این دو نهاد را از هم دور و بر ضد هم کند. در اینجا حوزه و دانشگاه باید هوشیار باشند و نقشه های دشمن را خنثی و نادرستی آن هارا اثبات کنند.

خب همه این حرف ها زده شد که به اینجا برسیم نقطه شروع این وحدت کجاست؟

#نقطه شروع عملیات

باید هر چیزی که این دو نهاد را از فرهنگ اصیل اسلامی دور کرده و در تضاد با این فرهنگ اصیل است را پاکسازی کرد.

اینکه الان شاهد این هستیم بر هر کدام از این دو حوزه فرهنگ متفاوتی حاکم است باعث شده جامعه خسارت های زیادی را

متحمل بشود.

اینکه علم را اولویت و در همه چیز مبنا قرار دهیم و صرفاً از آن به عنوان کالای مصرفی استفاده نکنیم و خدمتگزار قدرت های علمی، یا بازاری برای مصرف کالای های آن ها باشیم، اتفاق مبارکی نیست و می بایست جامعه دانشگاهی برای رسیدگی و حل این مسئله بسیج شوند.

و از آن طرف می بایست در حوزه ها نیاز های ملموس جامعه و واقعیت های زمانه مطرح شود. چرا که اگر سیاست ما عین دیانت ماست باید در این مسیر قدم نهاد و با واقعیت ها روبه رو شد.

#شناخت مقدمه وحدت

چیز دیگری که به شکل گیری وحدت کمک می کند شناخت کافی دو طرف از یکدیگر است.

باید ما دانشجویان و اساتید بزرگوار به حوزه ها رفت و آمد پیدا کنیم و با فضای طلبگی آشنا بشویم (اگر چه دشمن این وسط بیکار نمی ماند و سنگ اندازی میکند.) و البته روحانیان عزیز هم به صورت متقابل این کار را انجام دهند و در فضای دانشگاه ها حضور پررنگ تری داشته باشند.

به طور کل باید هم ما با نظام طلبگی و هم طلاب با سبک زندگی دانشجویی آشنا بشوند.

برای شکل گیری و تحکیم این وحدت نیاز است که دانشجویان و طلاب با یکدیگر بیشتر ارتباط داشته باشند، برگزاری سمینار های مختلف، برگزاری برنامه های مشترک بین حوزه و دانشگاه میتواند تسهیل گر این امر باشد.

تا اینجا هر چه که گفته شد تنها بخش کوچکی از مسئله وحدت حوزه و دانشگاه است (البته طبق فرمایشات مقام معظم رهبری حرف در این زمینه بسیار گفته شده و حال باید عملی صورت بگیرد) و

تمامی سعی مان براین بود که صرفاً کلیات مطرح شود و دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای تبیین شود.

زمانی که معظم له از تمدن نوین اسلامی سخن به میان می آورند با نگاهی حکیمانه این مطالب را بیان می فرمایند.

در این پازل ترسیم شده از سوی مقام معظم رهبری حوزه و دانشگاه در قبال شکل گیری نظام اسلامی و دولت اسلامی بار سنگینی را بر دوش دارند و تا زمانی که دانشگاه ما اسلامی نشود و از دل این دانشگاه اسلامی اساتید و کارگزاران صالح تربیت نشوند و این کارگزاران در دستگاه های مختلف دولتی و غیر دولتی قرار نگیرند دولت اسلامی به وجود نمی آید و همانطور که دولت اسلامی، جامعه اسلامی را به وجود می آورد لزوم این اهتمام به این مسئله را دو چندان میکند.

و در این میان نقش تشکل های دانشجویی و طلبگی پررنگ تر از باقی اقشار است و باید جای خود را در این پازل پیدا کنند و به فعالیت های خود جهت درستی را بدهند تا پیشرفت در این مسیر محقق شود.



خانه تکانی در قوه قضائیه

یادداشتی پیرامون انتصابات اخیر قوه قضائیه

• عرفان علم شاهی

قضائیه امری مرسوم و مسبوق به سابقه بوده است. همانطور که این تغییرات در بدنه مدیریتی این قوه در زمان آیت الله رئیسی نیز رخ داد. بنابراین هر گونه تغییر در بدنه مدیریتی نباید در معنایی منفی تلقی شود. اما نکته قابل توجه این است که افرادی که در جابجایی های اخیر به عنوان جایگزین انتخاب شده‌اند سوابق چندانی در رسیدگی به جرائم اقتصادی ندارند. از طرف دیگر، جابجایی فردی مثل مثل مسعودی مقام، به معنای کنار گذاشتن او از پرونده های مفاسد اقتصادی نیست. او همچنان در مجتمع تخصصی رسیدگی به جرائم اقتصادی حضور دارد و به پرونده های تجدیدنظر رسیدگی می‌کند. البته این موضوع در مورد همه جابجایی ها صدق نمی‌کند و همچنان جای پرسش های بسیاری را باقی گذاشته است.

به دادرسی عمومی ناحیه ۴ در حکمیه تهرانپارس منتقل شد. این ها تنها جابجایی های چند روز گذشته نبودند و افرادی چون بهروز شاه محمدی- نماینده دادستان در پرونده هفت تپه- و حسین سمیعی - بازپرس پرونده هایی همچون رضوی، حسین هدایتی- نیز مشمول این جابجایی ها شدند. آنچه که در فضای مجازی در این باره گذشت و تحلیل هایی را غالب کرد، بیش از آنکه ناشی از واقع بینی باشد، تحلیل هایی مبتنی بر پیش فرض هایی بود که ابعاد دیگر این ماجرا را کمرنگ می‌کرد. یا لاقلاً دیگر سخنان و نظرات را به حاشیه می‌راند. در حالی که بسیاری این اقدامات را "رئیس‌ی زدایی از قوه قضائیه" یا "چیدن مهره های شطرنج توسط اژه‌ای" عنوان می‌کنند؛ باید به این نکته توجه کرد که تغییرات در بدنه مدیران در قوه

شاید بتوان گفت از هنگامی که محسنی اژه‌ای، ریاست قوه قضائیه را بدست گرفته است، جابجایی های اخیر در قوه قضائیه و مجتمع رسیدگی به جرائم اقتصادی، موضوعی بوده است که بیش از سایر موضوعات، در فضای مجازی و حقیقی مورد توجه و بحث قرار گرفته است. قاضی مسعودی مقام که در پرونده های فساد مالی همچون بانک سرمایه، هادی رضوی، و حسین هدایتی و... بسیار مورد توجه رسانه ها قرار گرفت، از ریاست مجتمع رسیدگی به جرائم اقتصادی کنار گذاشته شد و به دادگاه های تجدید نظر رفت. رسول قهرمانی که به عنوان نماینده دادستان در این پرونده‌ها خودش را در معرض توجه فعالین اقتصادی و سیاسی و عدالتخواهان قرارداد و عملکرد قابل قبولی از منظر این گروه های اجتماعی داشت؛

رسول قهرمانی (نماینده دادستان) از این مجتمع کنار گذاشته شد و به دادرسی عمومی ناحیه چهار فرستاده شد. بهروز شاه محمدی یکی از بازپرس های دادرسی جرائم اقتصادی به دادرسی عمومی یافت آباد فرستاده شد و مشابه همین جابجایی برای حسین سمیعی رخ داد. علی رغم جابجایی قاضی مسعودی مقام، قوه قضائیه تاکنون هیچ اظهار نظری در مورد این سه جابجایی نکرده است. این افراد کسانی بودند که در پرونده هایی همچون اکبر طبری پرونده هفت تپه و هادی رضوی نقش برجسته ای داشتند. اینکه این جابجایی ها غالباً برای افرادی رخ داده است که در موضوعات مشابهی حضور

داشته و اثرگذار بوده اند؛ خود این ایده را در ذهن برجسته می کند که این تغییر مسولیت ها یک امر مرسوم و ساده نبوده است. افراد نامبرده کسانی بوده اند که به علت فعالیت های یکی دو سال اخیر در زمینه رسیدگی به مفاسد اقتصادی، به نماد تحول خواهی و مبارزه با فساد تبدیل شده بودند اما با جابجایی های اخیر، مسئله تحول در قوه قضائیه و جلوگیری با فساد، با ابهامات زیادی روبرو خواهد شد. این تغییرات بدلیل اینکه در چندین پست و آن هم در موضوعات مهمی رخ داده است؛ نمی تواند بدور از چشم رئیس قوه قضائیه بوده باشد و مهم ترین انتقادات به سمت رئیس قوه قضائیه است. از آنجا که

سیاست همیشه همچون کوه یخ است، بسیاری از ابعاد این جابجایی ها برای افراد بیرون از قدرت پوشیده است. قوه قضائیه نیز تاکنون پاسخی در مورد این اقدامات - به جز جابجایی قاضی مسعودی مقام - نداده است و در سکوت به سر می برد و همین انتقادات را افزایش دهد. به نظر می رسد این موضوع، بهانه خوبی باشد برای مطالبه از رئیس قوه قضائیه تا در مورد اقداماتی که تاکنون انجام داده یا برنامه ای برای انجام دادنش دارد تا در قوه قضائیه تحول ایجاد کند و عملکرد آن را بهبود بخشد گزارش و پاسخی ارائه کند.





مشکات و لا

▲ توجه به رویکرد سیاسی - اجتماعی حضرت زهرا (س)

● امیرمحمد خبیری

مهمترین حادثه تاریخ اسلام پس شهادت پیامبر ، و یکی از مهمترین دلایل حقانیت و اثبات شیعه و همچنین نشان دهنده بروز بدعت در دین اسلام پس از رسول خدا و زمینه سازی برای بازگشت به جاهلیت و حاکمیت ظلم و جور در جامعه اسلامی است که بعدها منجر به حکومت بنی امیه و حوادث عاشورا میشود. علیرغم تلاش های دشمنان در طول تاریخ برای تحریف و از یاد بردن حوادث فاطمیه و تطهیر چهره بانیان شهادت حضرت زهرا(س) ، همواره فاطمیه با تلاش شیعیان زنده باقی مانده است و هرسال بر شکوه آن افزوده میشود.

در دفاع از اسلام و حق ، باعث سست شدن پایه های حکومت غاصبان میشود، و برای حکومت چاره جز به شهادت رساندن حضرت باقی نمیگذارد. میتوان گفت مهمترین درس فاطمیه و شهادت حضرت زهرا(س) ، مسئله ولایت و دفاع از ولی خدا میباشد آن هم نه فقط در حرف و سخنرانی بلکه بررسی اقدامات حضرت زهرا(س) در آن ۷۵ یا ۹۵ روز پس از شهادت پیامبر اکرم نشان میدهد آن حضرت تا پای جان و به هر شکل ممکن از حق دفاع کرده اند. این دفاع جایی به شکل خطابه و سخنرانی حماسی و در جای دیگر به شکل صحبت نفر به نفر با مهاجرین و انصار و در زمانی با گریه بی امان در فراق رسول خدا صورت میگیرد و این مبارزه تا شهادت حضرت زهرا(س) و تشییع و دفن شبانه ایشان و ماجرای مخفی بودن مزار حضرت ادامه می یابد. شاید بتوان گفت فاطمیه و اتفاقات منجر به شهادت صدیقه طاهره(س)

زندگی کوتاه اما سراسر نور و برکت حضرت زهرا(س) را میتوان به چند بخش تقسیم کرد. بخش اول از پنج سالگی حضرت، یعنی سالهای حضور مسلمین در شعب ابی طالب و وفات حضرت خدیجه(س) شروع میشود. از اینجاست که در همین سنین کم حضرت زهرا(س) جای خالی و موثر حضرت خدیجه را در یاری اسلام و پیامبر(ص) پر میکند و لقب ام ابیها از سوی نبی خدا به ایشان داده میشود. بخش دوم از نه سالگی آن حضرت و ازدواج با امیرالمومنین شروع میشود که هر لحظه از آن الگویی کامل برای زندگی خانوادگی انسان ها است. اما بخش سوم که با شهادت رسول خدا آغاز میشود اوج ظهور و بروز اجتماعی حضرت زهرا(س) است. دفاع همه جانبه حضرت از ولایت پس حوادث سقیفه و سخنرانی ها و خطبه های روشنگرانه حضرت زهرا(س) مانند خطبه فدکیه در مبارزه با نفاق و ظلم و